



The Challenge of Legitimacy in the Structure and Operation of the International Organizations: Case Study of the World Bank

Seyed Ghasem Zamani *

Professor, Public International Law,
Allameh Tabataba'i University, Tehran,
Iran

Mahshid Ajeli Lahiji

Ph.D Student, International Law, Allameh
Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

Traditionally, there have been two acceptable theories regarding the legitimacy of any phenomenon in international law, inter alia international organizations: acceptability among people and acceptability among States. However, the evolution of international law makes it inevitable to revisit the issue to create a new criterion for considering legitimacy. Nowadays, the level of commitment to international values seems to be the criterion for legitimacy according to which the situation of international organizations could be evaluated and it will make their challenges obvious. Specifically, the case study of the World Bank, the organization which has been criticized for many years could determine the way this pattern is used to address the legitimacy challenges in international law. It also, explains the reasons behind challenging World Bank structure and operation by the International Community. The organization faces serious problems from the perspective of conformity with international values. Without addressing those problems, the legitimacy of the organization will remain under question.

Keywords: Legitimacy, International Organizations, World Bank, International law, International Community Values.

* Corresponding Author: mahshid_ajeli@yahoo.com

چالش مشروعیت در ساختار و عملکرد سازمان بین‌المللی: مطالعه موردی بانک جهانی

سیدقاسم زمانی

استاد حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مهشید آجلی لاهیجی*

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

ORCID: <https://orcid.org/0000-0001-9238-810X>

چکیده

در حقوق بین‌الملل در خصوص مشروعیت هر پدیده‌ای از جمله سازمان‌های بین‌المللی، به طور سنتی دو نظریه قابل دفاع وجود دارد: مشروعیت به مثابه مقبولیت نزد مردمان و مشروعیت به معنای مقبولیت نزد دولت‌ها. با این وجود، تحولات حقوق بین‌الملل، بازنگری در موضوع برای خلق معیاری نوین، جهت بررسی مشروعیت را ناگزیر می‌سازد. در حال حاضر، میزان التزام به ارزش‌های جامعه جهانی را می‌توان به عنوان معیار مشروعیتی قلمداد کرد که ارزیابی وضعیت سازمان‌های بین‌المللی بر این اساس، چالش‌های مهمی که این نهادها با آن مواجه هستند را مشخص می‌گرداند. به طور خاص، مطالعه موردی بانک جهانی که در طول سال‌های متمادی آماج انتقادات جدی قرار گرفته است، شیوه استفاده از این الگو برای شناسایی چالش‌های مشروعیت در حقوق بین‌الملل را روشن می‌کند. همچنین مشخص می‌کند بانک جهانی به چه دلایلی از منظر مشروعیت ساختارها و اقدامات، از سوی جامعه جهانی مورد تشکیک واقع شده است. در واقع، هدف از انجام این مطالعه، بررسی مشروعیت بانک جهانی با استفاده از معیار التزام به ارزش‌های جامعه جهانی می‌باشد. سازمان مزبور از حیث تطابق با ارزش‌های مزبور با مشکلات جدی روبرو است که عدم اصلاح آن، تدبیر مسئله مشروعیت را غیرممکن می‌کند.

واژگان کلیدی: مشروعیت، سازمان‌های بین‌المللی، بانک جهانی، حقوق بین‌الملل، ارزش‌های جامعه جهانی.

مقدمه

بانک جهانی^۱ پیرو کنفرانس برتن وودز^۲ در ۱۹۴۴ تأسیس شد و در کنار صندوق بین‌المللی پول^۳ در قالب نهادهای برتن وودز، از جمله سازمان‌های تاثیرگذار بر تحقق توسعه در سطح جهانی محسوب می‌شود. هرچند این سازمان جهت بازسازی اروپای بعد از جنگ جهانی دوم بوجود آمد، با تغییر شرایط، مأموریت و دستور کار سازمان، متوجه نابرابری و فقر در دنیا شد. این اعتقاد وجود دارد که بانک جهانی تدبیر نابرابری درآمدی در سطح جهانی را با سیاست‌هایی چون ترویج بازار آزاد و خصوصی‌سازی بخصوص از طریق اعطای وام به کشورهای کم‌درآمد دنیا^۴ دنبال می‌کند؛^۵ در عین حال برای برخی برنامه‌های اصلاحات ساختاری^۶ مانند مبارزه با بیماری‌ها در نقاط کم‌درآمدی چون آفریقا، منابع اختصاص می‌دهد.^۷ به طور کلی اقدامات سازمان در زمینه دستیابی به توسعه، کمک شایانی به حل مشکلاتی از این دست می‌کند. همین تاثیرگذار بودن، توجهاتی را معطوف این مسئله نموده است که در وضعیتی که تصمیمات سازمان تا این حد مهم و سرنوشت‌ساز است، این تصمیمات به چه صورت اتخاذ می‌شود و چقدر از مشروعیت برخوردار است. با توجه به ارتقای جایگاه و اهمیت توسعه، عملکرد نهادهای دخیل در حوزه توسعه در حال حاضر تا حد زیادی مورد واکاوی قرار گرفته است. این مسئله در

1. World Bank (WB).

2. Bretton Woods Institutions (BWIs).

3. International Monetary Fund (IMF).

۴. کشورهای کم‌درآمد دنیا به دلیل نرخ بالای بهره، اصولاً قادر به دریافت وام در بازارهای جهانی نیستند. این کشورها علاوه بر کمک‌ها و وام‌های مستقیم از کشورهای توسعه یافته و از بانک جهانی، اعتبار، وام بدون بهره و کمک فنی دریافت می‌کنند که به آنها توانایی تأمین نیازهای اولیه برای توسعه را می‌دهد. بازپرداخت وام‌ها غالباً در بازه‌ای ۳۵ تا ۴۰ ساله خواهد بود (مهدی فیل سرائی و صدیقه میرغمگین، «نقش بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در رشد و توسعه اقتصادی کشورها»، مجله اقتصادی، شماره‌های ۳ و ۴، (۱۳۹۵)، ص ۲۳).

۵. داریوش اشرافی و رضا اسلامی، «نقش سازمان‌های بین‌المللی در جهانی شدن اقتصاد و تأثیر آن بر حاکمیت ملی»، تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، شماره ۳۵، (۱۳۹۶)، صص ۱۴-۱۷.

6. Structural Adjustment Programmes (SAPs).

۷. بانک جهانی، حمایت از مبارزه با ایدز را در اولویت برنامه‌های اصلاح ساختاری خود قرار داده است.

World Bank, Meeting the Challenge: The World Bank and HIV/AIDS, April 3, 2013, [https:// www. worldbank. org/en/results/2013/04/03/hivaids-sector-results-profile](https://www.worldbank.org/en/results/2013/04/03/hivaids-sector-results-profile).

مورد بانک جهانی در حالی که از دیرباز انتقاداتی در مورد ساختار دموکراتیک آن و بطور کلی، پاسخگویی سازمان‌های بین‌المللی وجود داشته است، در حال حاضر با جدیت بیشتری دنبال می‌شود. از این رو در این پژوهشی، میزان مشروعیت بانک جهانی بعنوان یک سازمان بین‌المللی در بستر حقوق بین‌الملل موجود مورد سوال قرار گرفته است.^۱ به نظر می‌رسد التزام به ارزش‌های جامعه بین‌المللی، راهکار مناسبی برای تحصیل مشروعیت نهادهای بین‌المللی از جمله بانک جهانی باشد. در این راستا، تبیین مسئله مشروعیت در حقوق بین‌الملل، چالش‌های ساختاری مشروعیت سازمان‌های بین‌المللی و میزان التزام بانک جهانی به ارزش‌های جامعه جهانی شامل دموکراسی، حقوق بشر، شفافیت و پاسخگویی جهت تحصیل مشروعیت مورد توجه است.

حقوق بین‌الملل همچون هر نظام حقوقی دیگر برای استمرار حیات و داشتن کارکرد مفید، نیازمند مشروعیت است. مشروعیت عنصری است که با وجود معنا یافتن در بستر نظام‌های حقوقی، دارای ابعاد فراحقوقی قلمداد می‌شود؛ به گونه‌ای که برخی تلاش‌ها برای محدود کردن دامنه آن به حدود حقوق چندان موفق نبوده است.^۲

نظامی که فاقد مشروعیت باشد، قادر به انجام وظایف خود نخواهد بود و بنابراین از حیث بی‌کفایتی، در نهایت به تدریج مضمحل می‌گردد. از این رو، نظام‌های حقوقی باید در مورد مشروعیت خود حساس و برای رفع چالش‌های موجود در این زمینه کوشا باشند. به طور کلی، مشروعیت به مقبولیت و پذیرش داشتن در جامعه تعریف می‌شود؛ مقبولیتی که وصف پایبندی را به همراه می‌آورد. در مجموع، دو نظریه قابل دفاع در مورد مشروعیت در حقوق بین‌الملل مورد اعتنا و پردازش حقوقدانان قرار گرفته است که تحلیل آن به تشریح وضع مشروعیت در حقوق بین‌الملل می‌انجامد.

اغلب در تبیین مشروعیت بر مقبولیت در میان مردمان تأکید می‌شود. در این معنا، نهادی دارای مشروعیت است که مردم به وجود آن رضایت داده باشند.^۳ وجود چنین

۱. بدیهی است که انجام چنین پژوهشی درباره هر نهاد بین‌المللی دیگر میسر است. هر چند در متن اصلی به دلایل انتخاب بانک جهانی برای این مطالعه به ویژه به علت انتقادات قابل توجه نسبت به نحوه اتخاذ تصمیم در سازمان و نتایج مغایر با حقوق بشر برخی پروژه‌های حمایت شده از طرف سازمان، اشاره شده است.

2. James Crawford, "The Problems of Legitimacy-Speak", American Society of International Law, Vol. 98, (2004), at 273.

3. Leslie Green, "Law, Legitimacy, and Consent", Southern California Law Review, Vol. 62, No. 6, (1989), at 795-825.

مقبولیتی باعث می‌شود قواعد و نهادها از سوی مردم مورد احترام و متابعت قرار گیرند. در نظریه‌های مطرح شده در مورد نظام‌های حقوق داخلی، از جمله در نظریه هابرماس در زمینه مشروعیت آمده است که امر مشروع باید منطبق بر حقوق مردم و عدالت و انصاف بوده و سنت‌ها و ارزش‌های حاکم بر جامعه را در خود جای دهد.^۱ تحت همین عنوان؛ مشروعیت، پذیرش عمومی حکومت و سیستم قانونی توسط اکثریتی از مردم است.^۲ در تلاش برای تسری این الگوی برآمده از مفهوم مشروعیت در حقوق داخلی به حقوق بین‌الملل، از این استدلال استفاده می‌شود که در حقوق بین‌الملل هم منتفع‌نهایی، افراد انسانی هستند و هدف نهایی این نظام حقوقی، سعادت بشریت است. با این حال، این استدلال بواسطه ضعف مشارکت مردم در فضای فعلی حقوق بین‌الملل به‌زعم برخی بیش از حد ایده‌آل‌گرایانه است و از این رو، تلاش‌هایی برای هماهنگ‌کردن الگوی پیش‌گفته با واقعیات دولت‌محور حقوق بین‌الملل صورت گرفت. در واقع، حقوق بین‌الملل در اساس بعنوان حقوق دولت‌ها و مخلوق خود آنان شناخته می‌شود. هرچند که نمایندگی از افراد انسانی، چنین شأن و منزلتی برای دولت‌ها فراهم آورده است، اما به هر روی این دولت‌ها هستند که بنیان‌های نظم موجود بر وجود آنها استوار است. اگر مشروعیت بعنوان باوری به بر حق بودن، بر مبنای دریافت مخاطبان قاعده در نظر گرفته شود،^۳ به طور سنتی مخاطبان قاعده در حقوق بین‌الملل، اصولاً دولت‌ها هستند و مشروعیت در حقوق بین‌الملل برخلاف حقوق داخلی بر مبنای مقبولیت نه نزد مردمان، بلکه در میان دولت‌ها بعنوان بازیگران اصلی این عرصه ایجاد می‌شود.^۴

با این وجود، بررسی چالش‌های مشروعیتی که گریبان‌گیر حقوق بین‌الملل امروز شده است، امکان پذیرش تمام و کمال نظریه اخیر را مردود می‌سازد. به این واسطه و با لحاظ تحولاتی که در سال‌های اخیر در زمینه کاهش میزان انحصار دولت‌ها صورت گرفته است، می‌توان ایده واقع‌بینانه‌تری را در این خصوص مطرح نمود. در این نوع نگاه، از

۱. سیدرضا موسوی، «عقل و مشروعیت سیاسی از نظر ماکس وبر و هابرماس»، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۳۱-۱۳۲، (۱۳۷۷)، ص ۱۱۲.

۲. ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳) ص ۲۷۸.

3. Thomas M. Franck, "Legitimacy in the International System", American Society of International Law, Vol. 82, (1988), at 705-706.

4. Ian Hurd, "Legitimacy and Authority in International Politics", International Organization, Vol. 53, No. 2, (1999), at 381.

آنجا که جامعه بین‌المللی در حال حاضر از منظر اعضا و بازیگران، متکثر و متنوع است، جامعه مخاطبان حقوق بین‌الملل نیز تغییر کرده؛ سازمان‌های بین‌المللی، افراد انسانی چه در شمایل فردی و چه در شمایل جمعی در قالب سازمان غیردولتی^۱ و نیز شرکت‌های چندملیتی^۲ در ساختار نظم بین‌المللی موجود نفوذ کرده و موضوع و مخاطب اقدامات و قواعد در حقوق بین‌الملل قرار گرفته‌اند. به این ترتیب، امور برای تحصیل مشروعیت مورد قضاوت ارزشی چنین جامعه‌ای قرار می‌گیرد^۳ و مشروعیت، مقبولیتی است که بر اساس ارزش‌های مورد اعتنای کل جامعه جهانی شکل می‌گیرد.

۲-۱. چالش‌های مشروعیتی در ساختار سازمان‌های بین‌المللی با تأکید بر

بانک جهانی

در حقوق بین‌الملل، یکی از موجودیت‌هایی که به عنوان نهاد قاعده‌ساز شناسایی می‌شود، سازمان بین‌المللی است. ظهور سازمان‌های بین‌المللی بعنوان منشأ برخی تحولات مهم در حقوق بین‌الملل از شکل‌گیری مفاهیم نوین تا تحول در منابع در نظر گرفته می‌شود. در عین حال، این سازمان‌های بین‌المللی اغلب تعهد و دستورکار مفصلی جهت فعالیت در زمینه ارتقای سطح زندگی انسانی و توسعه دارند و بر این موضوع اثرگذار هستند. در میان سازمان‌هایی که با این دستورکار فعالیت می‌کنند، انتقاداتی از حیث شیوه تصمیم‌گیری متوجه بانک جهانی شده است. در برابر ملل متحد که ساختار آن عمدتاً بر مبنای اصل یک کشور - یک رأی شکل گرفته است، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول^۴ بر مبنای اصل یک دلار - یک رأی فعالیت می‌کنند و این مسئله به صورت سیستماتیک و جدی بر نابرابری میان دولت‌ها می‌افزاید. این در حالی است که نابرابری عامل بسیاری از مشکلات جهان امروز بوده و برقراری عدالت یکی از آرمان‌های بنیادین نظام حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود.

این وضعیت ناشی از نابرابری دولت‌ها بعنوان نمایندگان ملل مختلف در سازمان، به جهت ضعف مشارکت افراد انسانی در تصمیم‌گیری‌های بانک جهانی بعنوان یک سازمان

1. Non-governmental Organizations (NGOs).

2. Multinational Corporations.

3. Alex, Levitov, *Normative Legitimacy and the State* (Oxford University Press, 2018).

4. International Monetary Fund (IMF).

بین‌المللی تشدید می‌شود. «تصمیمات راجع به وام از سوی بانک جهانی یا تصمیمات مربوط به اختصاص منابع توسط صندوق جهانی برای مبارزه با ایدز، سل و مالاریا در آفریقا و آسیا موضوعات مرتبط با مرگ و زندگی مردم هستند»^۱ و همه این‌ها در مورد «ده‌ها میلیون مردمی اتفاق می‌افتد که اغلب‌شان در بهترین حالت، تنها به شکل مبهمی از وجود این قبیل سازمان‌ها اطلاع دارند»^۲ بنابراین، امکان اصلاح وضعیت از این طریق، یعنی به واسطه مشارکت افراد، در عمل میسر نیست.

اما در عین حال، وقتی بحث از قاعده‌گذاری در فضای بین‌المللی مطرح می‌گردد، انتقادات مشابه نسبت به مشروعیت سایر سازمان‌های بین‌المللی از منظر تطابق با ارزش‌های دموکراتیک یا رعایت حقوق افراد انسانی می‌تواند وارد دانسته شود. برای مثال، در شورای امنیت سازمان ملل، مشارکت برابر همه اعضا وجود ندارد.^۳ به خصوص از این حیث که در نظام عمیقاً دولت‌محور بین‌المللی، تصمیمات سازمان می‌تواند بدون تحصیل رضایت دولت در موضوعی خاص، او را متأثر نماید.

علاوه بر این، بدیهی است که سازمان‌های بین‌المللی از مفهوم مصونیت سود برده و در پناه آن از مداخلات و فشارهای احتمالی دولت‌ها در امان خواهند بود تا به اشتغالات خود پردازند و این مقتضای تحقق اهدافشان در نظر گرفته می‌شود.^۴ با این که همواره در حقوق بین‌الملل تأکید شده است که مصونیت رافع مسئولیت بین‌المللی نیست،^۵ اما در عین حال، کم‌نبوده مواردی که دیده شده مصونیت در تمثال یک قاعده شکلی ظاهر شده و مانع از پرداختن به امر مسئولیت گشته است.^۶ چنین عواملی به چالشی برای قاعده سازی به واسطه سازمان‌های بین‌المللی تبدیل شده که مشروعیت آن را به نحوی مورد

1. Allen Buchanan and Robert O. Keohane, "The Legitimacy of Global Governance Institutions", in: Rüdiger Wolfrum Volker Röben (eds.), *Legitimacy in International Law* (Berlin: Springer, 2008) at 28.

2. Ibid.

3. José E. Alvarez, *International Organizations as Law-makers* (New York: Oxford University Press, 2005) at 101.

۴. سید قاسم زمانی، حقوق سازمان‌های بین‌المللی (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش،

۱۳۹۲) ص ۲۴۶.

5. International Court of Justice, Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium), Judgment of 14 February 2002.

6. International Court of Justice, Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece Intervening), Judgment of 3 February 2012.

پرسش قرار می‌دهد. چرا که پاسخگویی برای مشروعیت مهم است.^۱ در عین حال پاسخگویی به خودی خود کافی نیست و باید شکل صحیح آن وجود داشته باشد. بعنوان مثال برای بانک جهانی الگویی با سطح بالای پاسخگویی به کشورهای اعطا کننده وجود دارد، اما این مشارکت موثر آنها که از قواعد سازمان متأثر می‌شوند و ملاحظات مربوط به نیازهای مشروع آنان را تضمین نمی‌کند.^۲

بنابراین دموکراسی، رعایت حقوق بشر و پاسخگویی از مهمترین عناصری هستند که التزام به آن در قالب اصلاحات ساختاری و عملکردی می‌تواند در تضمین مشروعیت سازمان‌های بین‌المللی موثر باشد. به بیان بهتر، نهادهای بین‌المللی باید بستری برای اجرای اصول عدالت باشند.^۳ در عین حال، رعایت حقوق بشر یک بخش ضروری از هر معیار قابل قبولی برای مشروعیت است و می‌تواند به تعهد بیشتر به فرآیندهای دموکراتیک برای مشارکت همگانی منجر شود.^۴ هر چند التزام به این عناصر در خصوص سازمان‌های مختلف قابل بررسی است، اما با توجه به اینکه تفاوت بارز در نوع تعیین حق رأی - در کنار سایر چالش‌ها که متوجه سایر سازمان‌ها است - در سازمانی با قابلیت اتخاذ تصمیمات سرنوشت‌ساز، واکنش‌هایی جدی را برانگیخته است. در ادامه به ارزیابی مشروعیت بانک جهانی پرداخته می‌شود. حتی طی سال‌های اخیر، بانک جهانی یک بحران وجودی جدی را از سر گذرانده است.^۵ لازم بذکر است که همین انتقادات گسترده از ساختار و عملکرد بانک جهانی بوده که این سازمان را در سال‌های اخیر به

1. Marco A. Velásquez-Ruiz, "In the Name of International Peace and Security: Reflections on the United Nations Security Council's Legislative Action", *International Law: Revista Colombiana de Derecho Internacional*, No. 18, (2011), at 13.

2. Buchanan and Keohane, op.cit., p. 52.

3. Simon Caney, "The Responsibilities and Legitimacy of Economic International Institutions", In: Lukas H. Meyer (eds.), *Legitimacy, Justice and Public International Law* (Cambridge: Cambridge University Press, 2009) at 117.

4. Lukas H. Meyer and Pranay Sanklecha, "Legitimacy, Justice and Public International Law: Three Perspectives on the Debate", In: Lukas H. Meyer (ed.), *Legitimacy, Justice and Public International Law* (Cambridge: Cambridge University Press, 2009) at 11.

5. Mzukisi Qobo and Mills Soko, *The World Bank Needs Deep Reforms to Reflect a Changing World order*, *The Conversation* (7 February 2019) Available at: <https://theconversation.com/the-world-bank-needs-deep-reforms-to-reflect-a-changing-world-order-111366>.

انجام برخی اصلاحات برای تعدیل وضعیت واداشته است. از این رو در بخش آتی، سطح التزام این سازمان به ارزش‌های جامعه جهانی و برخی اصلاحات انجام شده جهت تحصیل مشروعیت واکاوی خواهد شد.

۲. بانک جهانی در تکاپوی مشروعیت؛ التزام به ارزش‌های جامعه جهانی

۱-۲. دموکراسی در ساختار و حاکمیت بانک جهانی

به طور کلی به نظر می‌رسد کمک‌هایی که از جانب بانک جهانی به کشورهای دریافت کننده کمک اختصاص می‌یابد، نسبت به سایر منابع ارسال کمک‌ها، کمتر متأثر از منافع دولت‌ها باشد. در عین حال، در مواد موافقتنامه بانک جهانی به صراحت آمده است که تصمیمات راجع به اعطای وام نباید تحت تأثیر عوامل سیاسی قرار بگیرد.^۱ با این وجود با توجه به ساختار این سازمان بین‌المللی، در عمل بانک به دولت‌های اعطاکننده کمک،^۲ فرصت‌هایی داده تا ذیل آن منافع خود را نیز دنبال کنند و در واقع، تصمیم به پرداخت یا عدم پرداخت منابع مالی، به پاداش یا تنبیهی برای رفتار دریافت‌کننده بر اساس منافع سهامداران^۳ اصلی بانک تبدیل می‌شود. برای مثال، تحلیل ارزش رأی ایالات متحده در بانک جهانی به روشنی نشان می‌دهد که این دولت، ظرفیت اعمال نفوذ در نهاد مزبور را دارا است. در یک بررسی انجام شده در مورد پراکندگی جغرافیایی وام‌های اعطا شده از سوی بانک جهانی در بازه زمانی بین سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۹۲، مشخص شد که کشورهای دارای رابطه تجاری قدرتمند با ایالات متحده، سهم قابل توجهی از وام‌های بانک را به خود اختصاص داده‌اند.^۴ در حال حاضر هم همین سطح از تنفذ برای ایالات متحده در بانک جهانی وجود دارد و اصلاحات ۱۹۸۹ در افزایش اکثریت لازم برای تصمیم‌گیری از ۸۰ به ۸۵ درصد، حق وتوی ایالات متحده را برای این دولت حفظ کرده است.^۵ در

1. IBRD Articles of Agreement, Operations, Amended Effective June 27, 2012, Section 10.

2. Donors.

3. Shareholders.

4. Robert Fleck and Christopher Kilby, "World Bank Independence: A Model and Statistical Analysis of US Influence", Vassar College Department of Economics Working Paper, No. 53, (2001), at 16.

5. Stephany Griffith-Jones, Governance of the World Bank, Report Prepared for DFID, (2001), at 4.

واقع، تصویب هرگونه تصمیم اقتصادی در سازمان نیازمند ۸۵ درصد آرا است در حالی که ایالات متحده با برخورداری از بیش از ۱۶ درصد آرا، از نوعی حق وتو در این رابطه بهره‌مند است.^۱ مجموعه این شرایط منجر به ایجاد معضلی در مشروعیت دموکراتیک بانک جهانی می‌گردد.^۲ چرا که دولت‌هایی که از تصمیمات سرنوشت ساز بانک جهانی متأثر می‌شوند، از حق رأی برابر با سایر دولت‌ها و مشارکت کافی در تصمیم‌گیری‌ها برخوردار نیستند.^۳ در واقع اگر بتوان در ایده‌آل‌ترین حالت، دولت‌ها را نمایندگان راستین مردمان خود در نظر گرفت، عدم مشارکت موثر برخی دولت‌ها در فرآیند تصمیم‌گیری در بانک جهانی، این سیستم را از برخورداری از مواهب مشروعیت حاصل از وجود یک ساختار دموکراتیک در سازمان، به شدت محروم می‌کند، همچنان که ضعیف‌ترین دولت‌ها که بیشترین سطح تأثیرپذیری از بانک را دارند از داشتن صدایی برای شنیده شدن در سازمان، محروم نگاه داشته شده‌اند.

سیستم رأی‌گیری در بانک جهانی آمیخته‌ای از رأی‌های ساده^۴ و رأی‌های مبتنی بر سهام است.^۵ رأی ساده به صرف عضویت در سازمان به دولت‌ها اختصاص می‌یابد که میزان آن به طور برابر ۲۵۰ رأی برای هر عضو است که در ۱۹۷۹ از اعضا دعوت شد این سهم عضویت را به دو برابر افزایش دهند. علاوه بر این؛ دسته دیگر آرا، رأی‌های مبتنی بر سهام اعضا است. البته سهام در بانک جهانی به سادگی مورد خرید و فروش قرار نمی‌گیرد بلکه به میزان قدرت نسبی دولت‌ها در اقتصاد دنیا، این سهام به آنها اختصاص پیدا می‌کند و از این رو برخورداری از آن کاملاً در اختیار دولت‌ها قرار ندارد. قدرت اقتصادی دولت‌ها به طور کلی در بازه‌های مختلف زمانی در طول حیات بانک جهانی بر اساس محاسباتی در مورد میزان سهام دولت در صندوق بین‌المللی پول، در آمد ناخالص

۱. علی دینی ترکمانی، «چشم‌انداز نظام اقتصادی بین‌الملل: رویکرد آینده پژوهی»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۶۱، (۱۳۹۱)، ص ۲۰۶.

2. Jane Harrigan, Chenggang Wang and Hamed El-saeid, "The Economic and Political Determinants of IMF and World Bank Lending in the Middle East and North Africa", World Development, Vol. 34, No. 2, (2006), at 251.

۳. ابراهیم بیگزاده، حقوق سازمان‌های بین‌المللی (تهران: مجد، ۱۳۹۱) صص ۶۳۴ - ۶۳۵.

4. Basic Votes.

5. Quota Shares.

ملی و میزان مشارکت در انجمن بین‌المللی توسعه^۱ سنجیده شده است.^۲ اما از زمان تأسیس بانک، ایالات متحده بعنوان دولتی که تا حد زیادی از آسیب‌های جنگ جهانی دوم مصون مانده بود و به عنوان تنها منبع وام‌دهنده بانک، از ۳۷ درصد آرای بانک جهانی و در نتیجه از نفوذ قابل ملاحظه‌ای در سازمان برخوردار بوده است.^۳

با توجه به نابرابری فاحش موجود در سیستم رأی‌گیری بانک جهانی، اصلاح حق رأی^۴ در این ساختار حقوقی به طور عمده در دو فاز، فاز اول در ۲۰۰۸ و فاز دوم در ۲۰۱۰ برنامه‌ریزی شد. مهم‌ترین اقدام فاز اول، اختصاص رأی ساده برای بهره‌مندی فقیرترین کشورهای در حال توسعه بود که به آن ارزشی معادل بیش از ۱۰ درصد از کل ارزش آرا می‌بخشید (۱۰/۷۸٪). این ارزش معادل میزانی از ارزش رأی بوده که برای این دسته از آرا در ۱۹۴۴ در نظر گرفته شده بود؛ در حالی که در طول سال‌ها، پس از چندین نوبت ارتقای سهام دولت‌ها و در نتیجه ارتقای حق رأی مبتنی بر سهام آنان، این میزان به حدود ۲ درصد ارزش کل آرا تنزل پیدا کرده بود.^۵ به علاوه تدابیری برای ارتقای جایگاه دول آفریقایی در هیئت اجرایی مدیران^۶ بانک اندیشیده شد.

به عنوان اصلی‌ترین هدف فاز دوم اصلاحات، ارتقای حق رأی کشورهای در حال توسعه با انتقال حق رأی از کشورهای توسعه یافته، در نظر گرفته شد. این تصمیم توسط سران کشورهای صنعتی در پایان اجلاس G20 سال ۲۰۰۹ اتخاذ و اعلام شد تمایل وجود دارد که سهم کشورهای در حال توسعه تا ۳ درصد افزایش یابد. به طور خاص، اعتنا به حفاظت از حق رأی فقیرترین کشورها در این رابطه مدنظر بوده است.^۷

در نتیجه عملیاتی شدن این اصلاحات، درصدی از حق رأی برخی کشورها به عده‌ای دیگر انتقال یافت. در میان آنها که درصدی از حق رأی خود را از دست دادند، نام ۵

1. International Development Association (IDA).

2. Jakob Vestergaard, "Voice Reform in the World Bank", Danish Institute of International Studies, (2011), at 8.

۳. فراز فیروزی‌مندی، بانک جهانی و حقوق بشر (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۹۱)

ص ۳۱.

4. Voice Reform.

5. IMF, Quota and Voting Shares before and after Implementation of Reforms Agreed in 2008 and 2010, 2013.

6. Executive Board of Directors.

7. See: G20, Pittsburgh Summit, 2009.

کشوری که بالاترین حق رأی در بانک جهانی قبل از اصلاحات را داشته‌اند یعنی ژاپن، فرانسه، بریتانیا، ایالات متحده و آلمان قابل مشاهده است.^۱ در سمت دریافت کنندگان در کنار چین، نام کشورهایی مانند برزیل، هند، مکزیک، کره جنوبی و نیز چند کشور اروپایی شامل یونان و لهستان به چشم می‌خورد.^۲

با این که اصلاحات به نظر عمیق و بزرگ می‌رسد و دستاورد سیاسی قابل تأملی است، اما برای اصلاح وضعیت غیردموکراتیک موجود در سازمان می‌تواند بسیار ناچیز به حساب بیاید. انتقال ۳ درصد از حق رأی کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه در حالی که همچنان توسعه یافته‌ها از حدود ۶۰ درصد این حق بهره می‌برند، چندان امیدوارکننده نیست.^۳ در واقع برعکس آنچه انتظار می‌رفت اتفاق بیفتد، اصلاح آرا چیزی به حق رأی فقیرترین‌ها نیفزود بلکه در مجموع، بیشتر متوجه برخی کشورهای آسیایی شد که در مسیر پیشرفت به سر می‌برند، بیشتر به این منظور که نابرابری‌های فاحش میان آنها با هم‌تایان اروپایی‌شان از نگاه‌ها پوشانده شود. اما حتی در مورد این دسته از کشورها، اقدامات کاملاً موثر نبود.^۴ لازم بذکر است که بحث از انجام چنین اصلاحاتی، بیانگر تلاشی است که در سازمان برای تعدیل شرایط در چارچوب ساختار کلی موجود صورت گرفته است و نمی‌تواند رافع انتقاداتی باشد که به سیستم یک دلار – یک رأی وارد می‌شود.

1. World Bank, IBRD Subscription and Voting Power of Member Countries, February 13, 2020: <https://www.worldbank.org/en/about/leadership/votingpowers>.
2. Jakob Vestergaard and, Robert H. Wade, "Out of the Woods: Gridlock in the IMF, and the World Bank Puts Multilateralism at Risk", Danish Institute for International Studies, No. 6, (2014), at 11.
3. Jakob Vestergaard, "The World Bank and the Emerging Order", Danish Institute for International Studies, No. 5, (2011), at 42.
4. Jakob Vestergaard, "Voice Reform in the World Bank", op.cit., at 40.
۵. کشوری مانند چین از طرفی برای افزایش نفوذ خود در این قبیل نهادهای بین‌المللی تلاش می‌کند، اما از طرف دیگر بر این باور است که با توجه به نقش آمریکا، این نهادها ظرفیت و قابلیت ایجاد دگرگونی اساسی بر مبنای ضرورت‌های توسعه در آسیا را ندارند. بر این اساس چین ابتکار تأسیس بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا را مطرح و پیگیری کرده است (محمد تقی‌زاده انصاری، «چالش بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا و هژمونی مالی اقتصادی آمریکا»، مجله سیاست جهانی، شماره ۲، (۱۳۹۵)، ص ۱۶۱).

۲-۲. بانک جهانی و التزام به حقوق بشر

دوره ترمیم آثار جنگ جهانی دوم به سرعت سپری شد^۱ و بانک متوجه هدف توسعه در دستورکار خود گردید. به نظر می‌رسید انتقال منابع مالی از کشورهای اروپایی توسعه یافته به کشورهای تازه رها شده از استعمار بتواند در زمانی کوتاه اوضاع آنها را بهبود بخشد. هدف بانک در قلمرو توسعه، در حال حاضر بیشتر متوجه فقرزدایی است و به طور عمده از طریق اعطای وام به دولت‌های عضو و تضمین وام شرکت‌های دولتی یا خصوصی، این امر را دنبال می‌کند.^۲

با اینکه بانک جهانی بر مبنای سند تأسیس خود در انجام وظایفش التزامی به حقوق بین‌الملل ندارد اما در حال حاضر به نظر می‌رسد بعنوان یک شخصیت مستقل بین‌المللی دارای تعهدات بین‌المللی از جمله حقوق بشر شناسایی می‌شود یا در واقع جهت تحصیل مشروعیت، انتظار می‌رود که چنین ملاحظاتی داشته باشد. البته بانک جهانی ملاحظات حقوق بشری دولت‌های عضو را از منظر اقتصادی همواره رصد نموده است؛ چرا که در حال حاضر رشد اقتصادی را می‌توان تابعی از میزان رعایت حقوق بشر در جوامع قلمداد کرد. اما این دقیقاً به معنی التزام خود سازمان به حقوق بشر نیست و برای کسب مشروعیتی که حاصل از رعایت حقوق بشر است، کافی تلقی نمی‌شود. در عین حال، توسعه در مفهوم جامع و پایدار آن بدون حقوق بشر محقق نمی‌شود. این موضوعی است که خود بانک جهانی به آن اذعان داشته است.^۳ رشد اقتصادی ناشی از نقض حقوق بشر، توسعه محسوب نمی‌شود و سازمان را در ایفای اهداف خود ناتوان باقی می‌گذارد که خود چالش دیگری از حیث مشروعیت سازمان به جهت ناکارآمدی مطرح خواهد کرد.^۴

۱. هدف ترمیم و بازسازی بانک در حال حاضر در وضعیت‌های ناشی از وقوع بلایای طبیعی و مخاصمات مسلحانه در کشورهای در حال توسعه و همچنین در کشورهای با اقتصاد در حال گذار پیگیری می‌شود (بیگ‌زاده، همان، ص ۶۳۳).

۲. همان.

3. Anthony Gaeta and Marina Vasilara, "Development and Human Rights: The Role of the World Bank", The World Bank (1998).

4. Nancy Birdsall, "Double Majorities at the World Bank and IMF—for Legitimacy and Effectiveness", Center for Global Development (March 19, 2009) at 1.

مثال‌هایی از پروژه‌هایی که کار کودک را ترویج داده^۱ یا آثار مخرب زیست‌محیطی داشته،^۲ بر نگرانی‌ها در این زمینه افزوده است.^۳

بنابراین ضروری است حقوق بشری از ابتدا در برنامه‌های طراحی شده جهت توسعه از سوی بانک مورد بررسی قرار گرفته و در حین اجرا و پس از پایان پروژه‌ها هم بررسی وضعیت اموری مانند محیط زیست و حقوق افراد بومی در دستور کار سازمان قرار گرفته و سازوکار جبران خسارت برای جبران آسیب‌های احتمالی تعیین گردد که ایجاد هیئت بازرسی^۴ در ۱۹۹۳ را می‌توان گامی در این راستا دانست که ذیل آن افراد به رکن مستقلی برای بیان دغدغه‌هایشان دسترسی داشته باشند.

در همین خصوص، فعالیت‌های زیادی از سوی جامعه مدنی برای وادار کردن سازمان به لحاظ حقوق بشر در سیاست‌هایش صورت گرفته است. این فشارها به علاوه نیاز بانک به مشروعیت بخشیدن به اقدامات خود، این نهاد را ناگزیر از پاسخ به نیاز مبرم موجود، در قالب طراحی «چارچوب زیست‌محیطی و اجتماعی»^۵ در ۲۰۱۶ نمود که ذیل آن با ارجاع به اعلامیه جهانی حقوق بشر، معیارهایی جهت ملاحظه کشورهای وام‌گیرنده در مورد اجرای پروژه‌ها در نظر گرفته شده است. برای تصویب این مقرره، مفصل‌ترین دوره از مذاکرات بانک جهانی در هیئت مدیره اجرایی انجام شد.^۶

وضعیت دیوان داوری ایکسید بعنوان یکی از اجزای بانک جهانی هم در این رابطه با نوع نگرش این نهاد نسبت به حقوق بشر قابل توجه است. به طور کلی استناد به حقوق بشر در داوری‌های سرمایه‌گذاری همواره محدود بوده است. حتی در مواردی هم که به حقوق بشر استناد می‌شد، دیوان‌های داوری از رسیدگی به موضوع حقوق بشر به نوعی

1. Bank Information Center, Rural Enterprise Support Project, <https://bankinformationcenter.org/en-us/project/uzbekistan-rural-enterprise-support-project/>.

2. Rainer Hillebrand, "IMF and World Bank: Institutional Set-up, Criticisms and Challenges", Hochschule Fulda, Discussion Paper, No. 21, (2017), at 16.

3. UN Doc. A/70/274.

4. Inspection Panel.

5. Environmental and Social Framework.

6. María Victoria Cabrera Ormazá and Franz C. Ebert, "The World Bank, Human Rights, and Organizational Legitimacy Strategies: The Case of the 2016 Environmental and Social Framework", *Leiden Journal of International Law*, Vol. 32, (2019), at 488.

امتناع می‌کردند. برای مثال، در قضیه بیلون علیه غنا، دیوان به روشنی اعلام می‌کند که برای بررسی ادعای حقوق بشری مطرح شده، صلاحیت ندارد.^۱ تعداد این قبیل پرونده‌ها که در آن ادعاهای حقوق بشری هریک از طرف‌ها مردود یا غیرمرتبط شمرده شده، کم نیست.^۲ با این حال در حال حاضر به نظر می‌رسد این رویکرد تا حدی در حال تغییر است. در پرونده‌ای مانند شرکت فونیکس اکشن علیه جمهوری چک که در آن دیوان اعلام می‌کند نباید از سرمایه‌گذاری‌هایی که به واسطه نقض قواعد بنیادین حقوق بشر صورت گرفته حمایت شود.^۳ به نظر می‌رسد که این توجه و استناد به ابعاد حقوق بشری موضوعات، طی سال‌های اخیر با تأکید بر مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در رسیدگی‌ها تقویت شده است.^۴

با اینکه بانک جهانی در قالب این تغییر رویکردها و بویژه با تصویب سند چارچوب زیست‌محیطی و اجتماعی، گام مهمی در جهت تلفیق حقوق بشر در سیاست‌های خود برداشته، اما این میزان هنوز اندک است و گفتمان حقوق بشری در سازمان همچنان ضعیف می‌باشد، به این معنا که سازمان به صورت باز در مورد ابعاد حقوق بشری اقدامات و پروژه‌های خود در بستری روشن و قاعده‌مند بحث نمی‌کند.^{۵ و ۶}

بحران‌های مالی، غذا، آب و تغییرات اقلیمی بر نقش و اهمیت بانک جهانی در توسعه افزوده است. ارتقای جایگاه کشورهای در حال توسعه در سازمان می‌تواند، موجد

1. UNCITRAL, *Biloune and Marine Drive Complex Ltd v. Ghana Investments Centre and the Government of Ghana*, Award on Jurisdiction and Liability, (1989).

2. For Example: ICSID, *CMS Gas Transmission Company v. The Republic of Argentina*, Case No. ARB/01/8, Award, 2005.

3. ICSID, *Phoenix Action, Ltd. v. The Czech Republic*, Case No. ARB/06/5, Award, 2009, para. 78.

4. See: ICSID, *Urbaser S.A. and Consorcio de Aguas Bilbao Bizkaia, Bilbao Biskaia Ur Partzuergoa v. The Argentine Republic*, Case No. ARB/07/26, Award, (2016).

5. Kirk Herbertson, Kim Thompson and Robert Goodland, *A Roadmap for Integrating Human Rights into the World Bank Group* (USA: World Resources Institute, 2010) at 21.

۶. همانطور که پیش‌تر اشاره شد، در اساسنامه بانک جهانی حمایت از حقوق بشر جزء اهداف و وظایف بانک مطرح نشده است، هر چند در اعلامیه‌های بعدی بانک به پایبندی خود به حقوق بشر اذعان کرده است.

تغییراتی باشد.^۱ اما همه اینها نباید مغایر تبیین یک چارچوب حقوق بشری قدرتمند در بانک جهانی برای تضمین حقوق بشر باشد. در واقع، یک رویکرد قوی تر حقوق بشری می تواند نتایج توسعه ای مطلوب تری به دنبال داشته باشد و به تدریج سازمان را به مشاور قدرتمندی برای نجات افراد و جوامع از فقر به نحو موثر و حق محور بدل کند. گفتمان حقوق بشر از این رو برای بانک حائز اهمیت است که بستر مشخص و متعادلی ایجاد می کند که ذیل آن تعهدات حقوق بشری که دولت ها برعهده گرفته اند، بر این مبنای قابلیت تحقق پیدا می کند، کرامت انسانی کلیه افراد را شناسایی می کند،^۲ بر ارزش های معین غیرقابل مذاکره تأکید می کند^۳ و با تأکید بر همین ارزش های جامعه جهانی است که می تواند برای سازمان تحصیل مشروعیت نماید. بدیهی است که کلیه این مباحث نافی نقش بانک جهانی در توسعه و پیشرفت وضعیت حقوق بشر در کشورهای مختلف نیست. در عین حال، اصلاحاتی که در راستای توجه به حقوق بشر در بانک جهانی انجام شده، نشان می دهد که چالش های مشروعیتی قابل توجهی وجود داشته و سازمان از انتقادات وارده، درسی برای بقا آموخته و در پی رفع مشکل برآمده است.^۴

۲-۳. ارتباط شفافیت و پاسخگویی در بانک جهانی

بدیهی است که بانک جهانی با وجود عدم التزام در سند تأسیس به حقوق بشر، انجام پروژه های اقتصادی را با هدف دستیابی به توسعه برای تضمین حمایت از فقیرترین و آسیب پذیرترین گروه ها دنبال می کند. با این وجود، این فعالیت ها گاه با آثار زیان باری روبرو است که مسئولیت پذیری سازمان در برابر شکایات و نارضایتی های مطرح شده را جهت ترمیم وضعیت می طلبد. اساساً پاسخگویی به نیاز جامعه، به نهادهای دارای اقتدار

1. Jonathan R. Strand and Michael W. Trevathan, "Voting Power of Rising Powers in International Financial Institutions: Supporting, Countering or Bypassing the Status Quo?", International Studies Association Asia-Pacific, (2016), at 13 – 15.

۲. تفاوت وجود دارد بین زمانی که افراد را صرفاً دریافت کنندگان اعانات توسعه بشناسیم با زمانی که در قالب گفتمان حقوق بشر اینان را صاحبان حقوق بشری غیرقابل اسقاط قلمداد کنیم.

3. Philip Alston, "Rethinking the World Bank's Approach to Human Rights", Nordic Trust Fund for Human Rights and Development Annual Workshop on the Way Forward, The World Bank, (15 October 2014), at 7-8.

۴. حتی می توان پیشگامی بانک جهانی در انجام اصلاحات را ناشی از حجم عظیم انتقاداتی قلمداد کرد که بیش از هر سازمان دیگر موجودیت این نهاد بین المللی را تهدید می کرد.

کمک می‌کند به اهداف تعیین شده دست یابند، سودآور بوده و در خدمت ارزش‌های جامعه‌ای باشند که انتظار می‌رود به آن خدمت کنند. پاسخگویی در جایی وجود دارد که رابطه‌ای بین شخص و نهاد دارای قدرت و وظیفه‌ای برای انجام دادن در این میان موجود باشد. در چنین وضعیتی، پاسخگویی به منزله فراهم کردن اطلاعات در مورد تصمیم یا اقدام صورت گرفته و توجیه آن برای جامعه و در عین حال، امکان مواخذه عمل خلاف و جبران آن است. عدم پاسخگویی نهادهای حقوقی به بحران‌هایی مانند فساد ناشی از عدم شفافیت و ناتوانی در انجام وظایفی می‌انجامد که خود عامل و نیز نتیجه عدم اعتقاد به مشروعیت سازمان است. در واقع سازمانی که پاسخگویی ندارد، قدرت عملکردی خود را که ناشی از منبع مشروعیت است از دست داده و این مسئله به بغرنج‌تر شدن چالش مشروعیت سازمان منجر می‌شود.

بانک جهانی برای مرتفع کردن نیاز به مشروعیت، چندین مکانیزم پاسخگویی در ساختار سازمانی خود طراحی نموده است تا صدای مردم و گروه‌ها در خصوص دغدغه‌هایی که در رابطه با پروژه‌های تحت حمایت بانک، فضایی برای شنیده شدن داشته باشند. همچنین التزام به چارچوب زیست‌محیطی و اجتماعی طراحی شده در زمره سیاست‌های بانک جهانی به عنوان یک بستر هنجاری صریح و روشن برای طرح شکایات پیش‌گفته قابل شناسایی است. توجه به مردمی که از فعالیت سازمان متاثر شده‌اند، قابلیت پاسخگویی «رو به پایین»^۱ را بعنوان بخش مهمی از پاسخگویی در کنار پاسخگویی «رو به بالا»^۲ یعنی به کشورهای اعطاء کننده، فراهم می‌کند.^۳

به طور کلی در قالب مکانیسم‌های طرح شکایت، اولین مورد سرویس جبران شکایات بانک جهانی^۴ است. ذیل این سازوکار، افراد و جوامعی که از پروژه‌های پشتیبانی شده توسط بانک جهانی متاثر می‌شوند، می‌توانند مستقیماً دغدغه خود را به

1. Downward Accountability.

2. Upward Accountability.

3. Eva Kolker and Catharina Kulldorff, Managing Upward and Downward Accountability in an International Development Project; A Case Study of a World Bank Telecommunications Infrastructure Project in Benin, Master's Thesis of Stockholm School of Economics, (Fall 2013), at 5.

4. World Bank's Grievance Redress Service (GRS).

اطلاع مدیران بانک جهانی برسانند. هدف از ایجاد این نهاد در مارس ۲۰۱۵، کمک به حل سریع‌تر شکایات بوده است.

هیئت بازرسی بانک جهانی مکانیسم دیگری است برای آنها که از فعالیت بانک متضرر شده یا احتمال دارد بشوند. در ۱۹۹۳ توسط هیئت اجرایی مدیران با قابلیت انجام تحقیقات مستقل در مورد فعالیت‌های موضوع شکایات واصله ایجاد شد.

نهاد ناظر یا بازرس^۱ در ۱۹۹۹ بعنوان مکانیزم پاسخگویی بخش خصوصی بانک جهانی یعنی موسسه مالی بین‌المللی^۲ و موسسه تضمین سرمایه‌گذاری‌های چندجانبه^۳ بوجود آمد. این نهاد امکان برقراری رابطه مستقیم بین افراد آسیب دیده و حمایت‌کننده‌های پروژه‌های دو موسسه فوق‌الذکر را فراهم کرده و راسا قابلیت انجام تحقیقات در مورد کارکرد اجتماعی و زیست‌محیطی پروژه‌های مزبور و ارزیابی آن را دارد و در این زمینه به مدیران این نهادها مشاوره ارائه می‌دهد.

این نهادها علی‌رغم تاثیرگذاری بر وضعیت پاسخگویی سازمان، با چالش‌هایی در زمینه تضمین پاسخگویی کامل بانک جهانی روبرو هستند. برای مثال، با توجه به قرار نگرفتن حقوق بشر در زمره تعهدات مصرح سازمان، استناد به اسناد حقوق بشری برای این نهادها در بررسی حقوق تضییع شده افراد به راحتی میسر نیست. تحقیقات آنها در اساس، بر عدول سازمان از سیاست‌ها و رویه‌های عملکردی آن متمرکز است. بعلاوه، تصمیمات این نهادها اغلب از حیث هنجاری در قالب توصیه‌هایی به مدیران سازمان جهت اصلاح موقعیت اطلاع داده می‌شود. برای مثال، هیئت بازرسی نتیجه بررسی‌های خود را در اختیار هیئت مدیران اجرایی قرار می‌دهد تا در صورت صلاحدید، اقدام به جبران خسارت شود.^۴

در عین حال، این مکانیسم‌ها کمکی به شفاف‌سازی در مورد تصمیمات اتخاذی در ارکان سازمان به طور خاص در سطح هیئت مدیران اجرایی نمی‌کند. سازوکار مبهم

1. The Office of the Compliance Advisor Ombudsman (CAO).

2. International Finance Corporation (IFC).

3. Multilateral Investment Guarantee Agency (MIGA).

۴. سیدقاسم زمانی و پیمان بلوری، «مسئولیت‌پذیری بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در حقوق بشر»، مجله

حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۲، (۱۳۹۴)، ص ۹۷.

تصمیم‌گیری در این رکن تأثیرگذار که در قالب کنسensus^۱ انجام می‌گیرد و نابرابری فاحش در تقسیم جایگاه دولت‌ها در این رکن باعث می‌شود که افراد، بخصوص در کشورهای در حال توسعه با ابهامات جدی در مورد نحوه نمایندگی شدن در این سازمان مواجه شوند^۲ که این عدم شفافیت به شدت از مشروعیت سازمان می‌کاهد.

به طور کلی، گرچه بانک جهانی خود را به صراحت مسئول اجرای حقوق بشر نمی‌داند، اما حامیان برنامه‌های این سازمان مدعی بودند که این برنامه‌ها می‌تواند از طریق دستیابی به توسعه اقتصادی، افراد فقیر را منتفع سازد.^۳ اما آمارهای رشد اقتصادی، در کل نشان‌دهنده بهبود وضعیت دهک بالای درآمدی است، در حالی که فقیرترین افراد جامعه در وضعیت بدتری قرار گرفته‌اند.^۴ این مسئله از جمله می‌تواند نتیجه پاسخگویی صرفاً در برابر اقلیت ثروتمند بجای توجه به نیاز و خواست اکثریت فقیر در ساختار و عملکرد سازمان باشد.

به مجموعه اوصاف پیش‌گفته باید این مسئله را هم در مورد تحدید ظرفیت‌های پاسخگویی بانک جهانی افزود که هرچند سازمان دارای شخصیت بین‌المللی است و از این رو می‌تواند دارای مسئولیت بین‌المللی دانسته شود، وجود دکترین مصونیت بین‌المللی در مورد سازمان‌های بین‌المللی، تاکنون از ایجاد رویه‌ای در سطح داخلی یا بین‌المللی مبنی بر امکان طرح دعوی علیه عملکرد بانک جهانی، جز در صورت انصراف از مصونیت یا مواردی که در اساسنامه به طور صریح استثناء شده جلوگیری کرده است.

نتیجه‌گیری

تحولات مستمر و مهم تجربه شده در جامعه جهانی، اجازه اعتنا به انحصار موجود در الگوهای طراحی شده برای تبیین مشروعیت در حقوق بین‌الملل را نمی‌دهد. در حال حاضر، مشروعیت امور و اقدامات در سطح بین‌المللی در قالب نگاه جامعه‌ای که صرفاً

1. Consensus.

۲. ژوزف استیگلتز، «جهانی شدن و توسعه»، دوفصلنامه برنامه و بودجه، شماره ۱۰۹، (۱۳۸۸)، ص ۱۶۱.

۳. سیدیوسف قرشی و سیدعقیل حسینی، «نسبت نهادهای پولی بین‌المللی با توسعه با تأکید بر ایران»، مجله سیاست جهانی، شماره ۲، (۱۳۹۷)، ص ۶۶.

۴. ژوزف استیگلتز، «نقد نئولیبرالیسم: مصاحبه با ژوزف استیگلتز»، در: *برابر نئولیبرالیسم و جهانی‌سازی*، ترجمه مسعود امیدی (تهران: گل آذین، ۱۳۹۶) ص ۶۸.

متشکل از مردمان یا فقط حاصل تجمع دولت‌ها باشد، قابل ارزیابی نیست. جامعه مخاطبان حقوق بین‌الملل، امروزه بسیار متکثر و شامل کلیه اعضای جامعه جهانی است. موضوعات بنا بر میزان ابتنا بر ارزش‌های جامعه بین‌المللی از مواهب مشروعیت برخوردار می‌شوند. بنابراین، مشروعیت سازمان‌های بین‌المللی در الگوریتمی بر اساس میزان مطابقت با ارزش‌هایی از جمله شامل دموکراسی، التزام به حقوق بشر و شفافیت و پاسخگویی قابل تبیین است.

به هر روی در حال حاضر، سازمان‌های بین‌المللی به نحو فزاینده‌ای درگیر فرآیندهای قاعده‌گذاری شده‌اند که به صورت رسمی یا در عمل بر دولت‌ها و حتی افراد انسانی موثر است. همچنانکه پیش از پیش بر تصمیمات سازمان‌ها بعنوان منابع حقوق بین‌الملل تأکید می‌شود، ارزیابی آنان بر مبنای تقید به حاکمیت قانون و ارزش‌های بین‌المللی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.^۱ ضمن اینکه این نهادها علاوه بر اقتدارات در نظر گرفته شده در سند موسس‌شان، از قدرت دولت‌ها برای اجرایی شدن تصمیمات خود سود می‌جویند. برخورداری از این سطح از اقتدار، مشروعیت سازمان‌های بین‌المللی را مهم ساخته و وجود آن را به عوامل گوناگونی ارتباط می‌دهد.

بانک جهانی در همین راستا، محتاج مشروعیتی است که در برابر انتقادهای وارده به ساختار و تصمیمات خود بتواند به آن استناد کند. مهم‌ترین چالش‌های بانک دنبال کردن توسعه صرفاً از بُعد اقتصادی بدون توجه کافی به ابعاد حقوق بشری امر، نابرابری در ساختار و عملکرد سازمان و عدم التزام کافی به مسئله پاسخگویی از سوی سازمان در خصوص اقدامات این نهاد است.

در گردهمایی سران دولت‌ها در *مانتری* در ۲۰۰۲ بر نیاز به قدرتمندتر کردن مشارکت کشورهای در حال توسعه در تصمیم‌گیری‌ها و قاعده‌گذاری‌های اقتصادی بین‌المللی تأکید گردید و به طور خاص از بانک جهانی برای برطرف کردن نیاز جامعه جهانی دعوت شد؛^۲ دعوتی که علی‌رغم اتخاذ اقدامات جدی از سوی سازمان بین‌المللی برای اصلاحات، به جهت اندک بودن تأثیر این تلاش‌ها به نظر همچنان تا حدی بی‌پاسخ مانده

1. Ramses A. Wessel and Jan Wouters, "The Phenomenon of Multilevel Regulation: Interactions between Global, EU and National Regulatory Spheres", *International Organizations Law Review*, No. 2, (2007), at 169 - 201.

2. United Nations, *Monterrey Consensus of the International Conference on Financing for Development*, adopted on 22 March, 2002, para. 62.

است. این در حالی است که مشروعیت، مقبولیتی حاصل از تعظیم در برابر نیاز و خواست جامعه مخاطبان هر نظم و نظام حقوقی است.

بررسی مشروعیت بانک جهانی یا هر نهاد حقوقی دیگر لزوماً به نتیجه برخورداری مطلق از مشروعیت یا عدم مشروعیت مطلق نمی‌انجامد. چرا که مشروعیت در ماهیت خود مفهومی نسبی است. نمی‌توان بانک جهانی را علی‌رغم برخی انتقادات جدی وارده به ساختار و عملکرد آن، مطلقاً نامشروع دانست و بدیهی است که انجام این تحقیق به منظور اعلام عدم مشروعیت سازمان نبوده است. هدف، بررسی برخی معضلات مشروعیتی بانک جهانی و شناسایی سفری بود که بانک جهانی حتی بعنوان یکی از پیشگامان چنین اقدامی در راستای انجام اصلاحات برای تحصیل مشروعیت آغاز کرد؛ سفری که می‌تواند راه و نیاز بی‌پایان هر نظم حقوقی در دنیا باشد..

ORCID

Mahshid Ajeli Lahiji: <https://www.orcid.org/0000-0001-9238-810X>

منابع

کتاب‌ها

- استیگلitz، ژوزف، «نقد نئولیبرالیسم: مصاحبه با ژوزف استیگلitz»، در: *برابر نئولیبرالیسم و جهانی‌سازی*، ترجمه مسعود امیدی (تهران: گل آذین، ۱۳۹۶).
- بیگ‌زاده، ابراهیم، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی* (تهران: مجد، ۱۳۹۱).
- زمانی، سید قاسم، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی* (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۲).
- فیروزی‌مندی، فراز، *بانک جهانی و حقوق بشر* (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۱).
- قاضی، ابوالفضل، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی* (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳).

مقاله‌ها

- استیگلیتز، ژوزف، «جهانی شدن و توسعه»، دوفصلنامه برنامه و بودجه، شماره ۱۰۹، (۱۳۸۸).
- اشرافی، داریوش و اسلامی، رضا، «نقش سازمان‌های بین‌المللی در جهانی شدن اقتصاد و تأثیر آن بر حاکمیت ملی»، تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، شماره ۳۵، (۱۳۹۶).
- تقی‌زاده انصاری، محمد، «چالش بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا و هژمونی مالی اقتصادی آمریکا»، مجله سیاست جهانی، شماره ۲، (۱۳۹۵).
- دینی ترکمانی، علی، «چشم‌انداز نظام اقتصادی بین‌الملل: رویکرد آینده‌پژوهی»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۶۱، (۱۳۹۱).
- زمانی، سیدقاسم و بلوری، پیمان، «مسئولیت‌پذیری بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در حقوق بشر»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۲، (۱۳۹۴).
- فیلسرائی، مهدی و میرغمگین، صدیقه، «نقش بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در رشد و توسعه اقتصادی کشورها»، مجله اقتصادی، شماره ۳ و ۴، (۱۳۹۵).
- قرشی، سیدیوسف و حسینی، سیدعقیل، «نسبت نهادهای پولی بین‌المللی با توسعه با تأکید بر ایران»، مجله سیاست جهانی، شماره ۲، (۱۳۹۷).
- موسوی، سیدرضا، «عقل و مشروعیت سیاسی از نظر ماکس وبر و هابر ماس»، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۳۱-۱۳۲، (۱۳۷۷).

References

Books

- Alvarez, José E., *International Organizations as Law-makers* (New York: Oxford University Press, 2005).
- Buchanan, Allen and Keohane, Robert O, "The Legitimacy of Global Governance Institutions", In: Rüdiger Wolfrum·Volker Röben (eds.), *Legitimacy in International Law* (Berlin: Springer, 2008).
- Caney, Simon, "The Responsibilities and Legitimacy of Economic International Institutions", in: Lukas H. Meyer (eds.), *Legitimacy, Justice and Public International Law* (Cambridge: Cambridge University Press, 2009).
- Herbertson, Kirk, Thompson, Kim and Goodland, Robert, *A Roadmap for Integrating Human Rights into the World Bank Group* (USA: World Resources Institute, 2010).
- Levitov, Alex, *Normative Legitimacy and the State* (Oxford University Press, 2018).

- Meyer, Lukas H. and Sanklecha, Pranay, “Legitimacy, Justice and Public International Law: Three Perspectives on the Debate”, in: Lukas H. Meyer (ed), *Legitimacy, Justice and Public International Law* (Cambridge: Cambridge University Press, 2009).

Articles

- Alston, Philip, “Rethinking the World Bank’s Approach to Human Rights”, Nordic Trust Fund for Human Rights and Development Annual Workshop on The Way Forward, The World Bank, (15 October 2014).
- Bank Information Center, “Uzbekistan Rural Enterprise Support Project”, Rural Enterprise Support Project, [https:// bank information center. org/en-us/ project/ uzbekistan-rural-enterprise-support-project](https://bankinformationcenter.org/en-us/project/uzbekistan-rural-enterprise-support-project).
- Birdsall, Nancy, “Double Majorities at the World Bank and IMF—for Legitimacy and Effectiveness”, Center for Global Development, (2009).
- Crawford, James, “The Problems of Legitimacy-Speak”, *American Society of International Law*, Vol. 98, (2004).
- Fleck, Robert and Kilby, Christopher, “World Bank Independence: A Model and Statistical Analysis of US Influence”, Vassar College Department of Economics Working Paper, No. 53, (2001).
- Franck, Thomas M., “Legitimacy in the International System”, *American Society of International Law*, Vol. 82, (1988).
- Gaeta, Anthony and Vasilara, Marina, “Development and Human Rights: The Role of the World Bank”, The World Bank, (1998).
- Green, Leslie, “Law, Legitimacy, and Consent”, *Southern California Law Review*, Vol. 62, No. 6, (1989).
- Griffith-Jones, Stephany, *Governance of the World Bank*, Report Prepared for DFID (2001).
- Harrigan, Jane, Wang, Chengang and El-saeid, Hamed, “The Economic and Political Determinants of IMF and World Bank Lending in the Middle East and North Africa”, *World Development*, Vol. 34, No. 2, (2006).

- Hillebrand, Rainer, “IMF and World Bank: Institutional Set-up, Criticisms and Challenges”, Hochschule Fulda, Discussion Paper, No. 21, (2017).
- Hurd, Ian, “Legitimacy and Authority in International Politics”, International Organization, Vol. 53, No. 2, (1999).
- Nasu, Hitoshi, “The UN Security Council’s Responsibility and the Responsibility to Protect”, Max Planck Yearbook of United Nations law, Vol. 15, (2011).
- Ormaza, María Victoria Cabrera and Ebert, Franz C., “The World Bank, Human Rights, and Organizational Legitimacy Strategies: The Case of the 2016 Environmental and Social Framework”, Leiden Journal of International Law, Vol. 32, (2019).
- Qobo, Mzukisi and Soko, Mills, The World Bank Needs Deep Reforms to Reflect a Changing World Order, The Conversation, (7 February 2019), Available at: [https:// theconversation. com/ the- world- bank- needs-deep-reforms-to-reflect-a-changing-world-order-111366](https://theconversation.com/the-world-bank-needs-deep-reforms-to-reflect-a-changing-world-order-111366).
- Strand, Jonathan R. and Trevathan, Michael W., “Voting Power of Rising Powers in international Financial Institutions: Supporting, Countering or Bypassing the Status Quo?”, International Studies Association Asia-Pacific, (2016).
- Velásquez-Ruiz, Marco A., “In the Name of International Peace and Security: Reflections on the United Nations Security Council’s Legislative Action”, International Law: Revista Colombiana de Derecho International, No. 18, (2011).
- Vestergaard, Jakob and H. Wade, Robert, “Out of the Woods: Gridlock in the IMF, and the World Bank Puts Multilateralism at Risk”, Danish Institute for International Studies, No. 6, (2014).
- Vestergaard, Jakob, “The World Bank and the Emerging Order”, Danish Institute for International Studies, No. 5, (2011).
- Vestergaard, Jakob, “Voice Reform in the World Bank”, Danish Institute of International Studies, (2011).
- Wessel, Ramses A. and Wouters, Jan, “The Phenomenon of Multilevel Regulation: Interactions between Global, EU and National Regulatory Spheres”, International Organizations Law Review, No. 2, (2007).

- World bank, Meeting the Challenge: The World Bank and HIV/AIDS, (April 3, 2013), [https:// www. worldbank. Org /en/ results/ 2013/ 04/03/ hivaids-sector-results-profile](https://www.worldbank.org/en/results/2013/04/03/hivaids-sector-results-profile).

Thesis

- Kolker, Eva and Kulldrof, Catharina, Managing Upward and Downward Accountability in an International Development Project, Master`s Thesis of Stockholm School of Economics, Fall (2013).

Cases

- ICJ, Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium), Judgment of 14 February 2002.
- ICJ, Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening), Judgment of 3 February 2012.
- ICSID, CMS Gas Transmission Company v. The Republic of Argentina, Case No. ARB/01/8, Award, 2005.
- ICSID, Phoenix Action, Ltd. v. The Czech Republic, Case No. ARB/06/5, Award, 2009.
- ICSID, Urbaser S.A. and Consorcio de Aguas Bilbao Bizkaia, Bilbao Biskaia Ur Partzuergoa v. The Argentine Republic, Case No. ARB/07/26, Award, 2016.
- UNCITRAL, Biloune and Marine Drive Complex Ltd v Ghana Investments Centre and the Government of Ghana, Award on Jurisdiction and Liability, 1989.